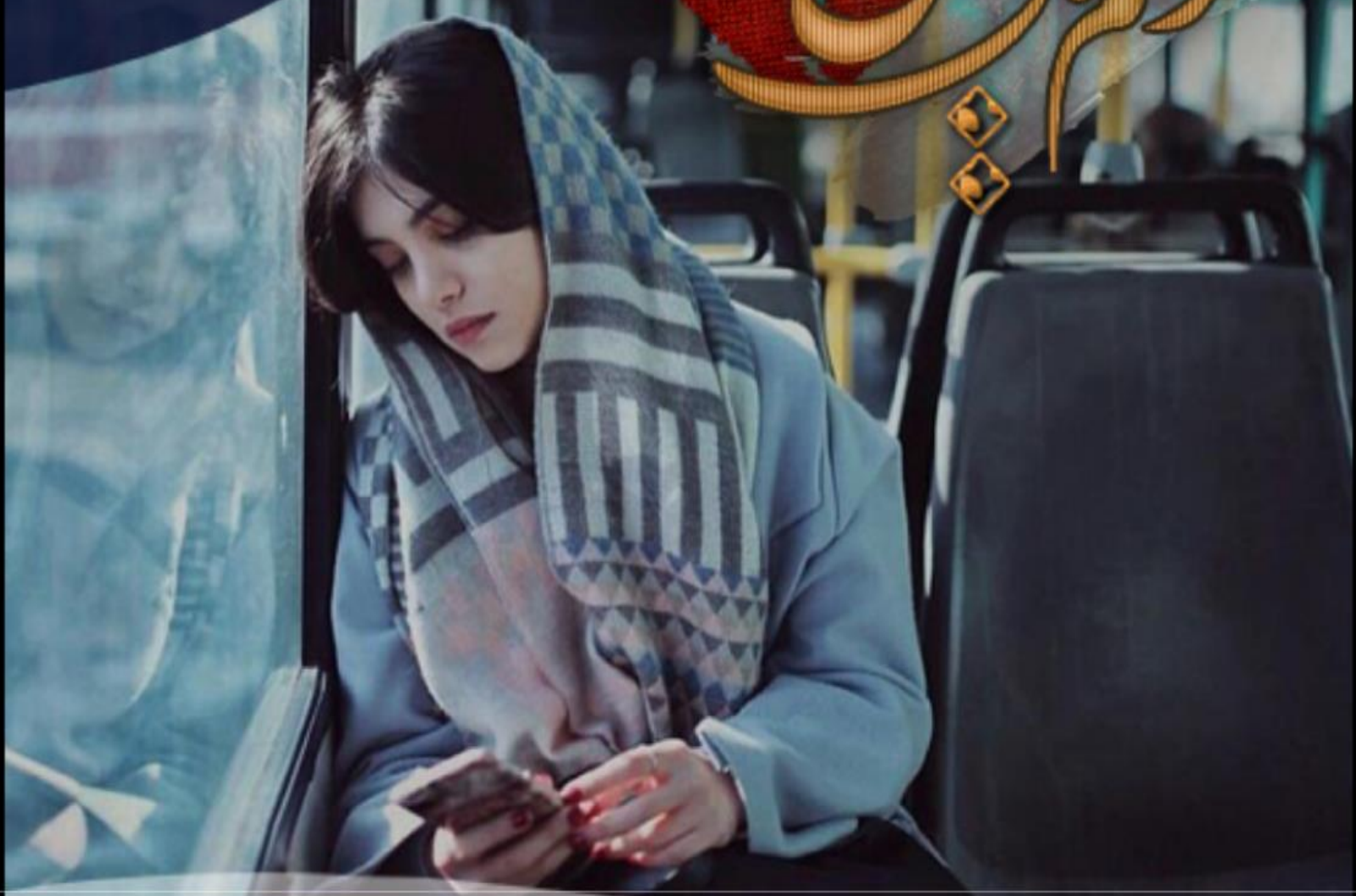


دل‌نوشته زخم های عمیق
نگین بای کاربر انجمن تک رمان

زخم های عمیق 
نگین بای 
AlmaBerry 

زخم های عمیق



انجمن تک رمان

زخم عمیقی،
پشت پلک های خواب رفته از بیداری ام
پنهان شده اند...





شناسنامه کتاب:

دسته بندی: دل نوشته

نام اثر: زخم های عمیق

نام نویسنده: نگین بای

ژانر: تراژدی

طراح: Almaberry

ویراستار: قسم همدم

کیبست: Setayesh

این کتاب در سایت **تک رمان** آماده شده است

www.taakroman.ir

مقدمه:

فرسخ‌ها راه مانده بود

تا من عاشق،

پیدایت کنم.

بدون تعلل گذراندم؛

اما آنچه تا ابدیت با من ماند،

زخم‌های عمیقی بود که هم بر قلبم

و هم بر پاهای درمانده و رنجورم

فریاد می‌زدند!

زخم‌های عمیقی،

پشت پلک‌های خواب‌رفته از بیداری‌ام

پنهان شده‌اند.

زخم‌های سوخته‌ای

که وقتی باز می‌شوند،

سیلاب را

روانه می‌کنند!

ناگهان زخمی کهنه

از سر باز می‌شود.

می‌سوزد و دردی بی‌درمان می‌شود!

آتش به جان می‌زند و

آبی برای زندگی شکست خورده‌ام می‌شود.

تا همیشه یادم بماند

چه به روزهایم آمده!

چشمی تاریک

می‌گرید و روشنی می‌جوید

بی صدا می‌نالد و

دمساز د*ر*دِ آشنایی می‌شود،

که تداعی زخم‌های بی‌جان

بر روی گونه‌اش است!

برای پرواز کردن، به آسمان نرو!

در زمین هم می‌توان پرواز کرد.

پروازی که آسمان از دیدنش

حیران و سرگردان بماند

و زبانش، از زخم‌هایی که به زمین می‌زند

کوتاه بماند!

به دنبالم مگرد،

پیدایم نکن.

پیدایم نمی‌کنی!

من همان زخم عمیق افسوس‌های تو هستم،
که در دل پشیمانت ریشه دارم
و لبریز از حسرت‌هایی هستم که بی‌فایده است.
از چشمانت می‌بارم
تا آرام شوی!

پشت پنجره‌ای بسته،
می‌نشیند مهمانی دل شکسته.
می‌گریست آرام.
بی‌قرار و بی‌گدار
می‌نالید از آسمان و جان و مال.
گفتمش: ای عاشق دل‌سوخته!
چیست د*ر*د دل پژمرده؟
گفت: باز کن پنجره را
د*ر*د من این است و یک آشنا



قطره‌ای آبم؛ ولی دریایی‌ام

می‌بارم و یک نغمه‌ی آوایی‌ام!

زخمی شده‌ام این‌بار

از زخم زبان‌ها،

کز معشوق شده پیدا.

زخمی شده‌ام بازم

از زخم زیان‌ها

کز زندگی شد رسوا.

زخمی شده‌ام من

زخم خورده‌ی روزهایم.

زخمی که هر بار

با آن می‌شوم تنها.



مانند زلزله

ناگهانی می‌آمد و

دل را می‌لرزاند.

وقتی که می‌رفت،

من،

زخمی و هولناک،

در زیر خانه‌ی عشق‌مان

آوار شده بودم!

دل نازک شده‌ام!

آشوب است خیالم،

از زخم ضخیم این روزهایم.

دل‌گیر شده‌ام،



دل گرم به تو مانده نگاهم.

مگذار که این دیده،

دل سرد شود از بود و خیالت.

دل مرده و پژمرده،

در کنج این خانه،

خاموش و سیاهم.

یک دل سیر تو را نه،

تنهایی کشیدم.

پروانه‌ی عاشق شده‌ی شمع،

می‌چرخد دور شعله.

گر بسوزد بال و پرهایش،

زخمی شود دست و پاهایش،

نالهای سر نمی‌دهد!

عشق همه خود آتش سوزان است.



در این پرتگاه دنیایی

مبادا خود بیازمایی!

در این پرتگاه فقط مرگ است.

ببین در زندگی چه می‌خواهی.

به دنبالش برو؛ اما،

اگر زخمی شدی

بدان ناخدایی همراهت هست و

تو باز هم می‌توانی!

زخم شده است لبانم.

نامش را تب‌خال گذاشته‌ام.

که از ترسِ کابوسِ نبودت،

حک شده بر لبانم!



گناه‌م چه بود که بی‌گناه محکوم شدم؟
گاهی نمی‌دانم شکست خوردم یا شکست داده‌ام.

به من گفتی: بی‌تو می‌میرم؛

اما،

من بودم که مرگ بی‌تو بودن را می‌چشیدم!

دلی که شکست،

قلبی که خورد شد،

عشقی که زخمی گشت،

و جانی که جان به ل*ب شده است،

نمی‌شود دل‌گرمش کرد.

او از همه چیز دل‌سرد شده،

انتظار مرگ می‌کشد.



شاید که زیر خاک

دل آرام شود!

هر وقت می‌روی،

هر زمانی مرا ترک می‌کنی،

نمی‌گویم نرو؛ اما،

به من نگو که ترکم خواهی کرد.

نگذار نمک پاشیده شود بر روی زخم دلم!

نفس‌های زخمی و بریده بریده‌ام،

با ضربان قلب نامنظم و آشوبم،

ریتم مرگ را در خود انباشته‌اند

و هنگامی که دست نوازشت

بر سرم نباشد،

در نوازندگی خود،

کوتاهی بس عمیقی خواهند کرد.

دستانی سرد،

که قطب یخزده را معنا می‌کنند.

ل*ب‌هایی خشک و ترک برداشته،

که کویر سوزنده را نمایان می‌کنند،

تو را صدا می‌زنند،

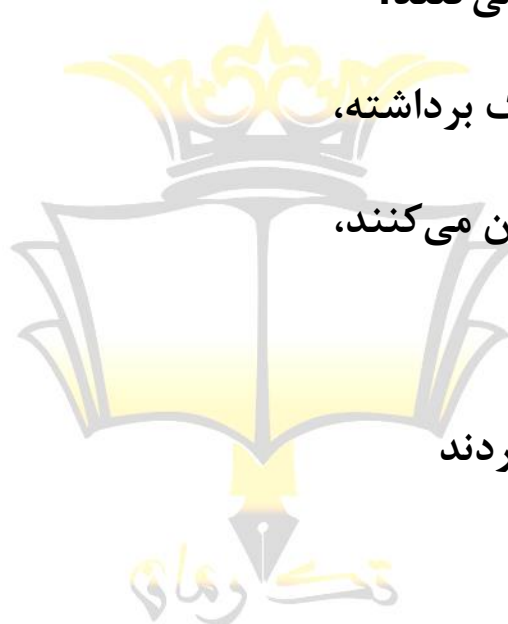
به دنبال راه فراری می‌گردند

از مرگ یخ‌بسته و

آهی سوزناک !

چشمانت را ببند،

و لبخندی به بی‌کرانی لبخندهایت بزن.



خنده‌ی تو، زنده‌ام می‌کند آخر،

در این خاک غبار!

خیابان دل‌شکسته‌ای

چشم می‌دوزد

به من و تو،

که در خیالش

قدم می‌زنیم و آن لحظه آسمان می‌بارد

و باران،

نم اشک‌هایش را

می‌پوشاند!

کبوترِ زخمیِ چشمانت،

چشم‌هایم را



در دنیا

از کار می‌اندازد

و لحظه‌ای که چشم‌هایت

مرا می‌جوید،

سیلی‌های نشسته بر گونه‌ام را به جان می‌خرم!

چشمان زیبای تو،

زخم عمیقی بر جانم می‌زند،

که به جای خودت

قاب عکست را نگاه می‌کنم.

برخلاف من،

مراقب آرزوهایت باش.



من تو را از دست دادم،

تنها آرزوی من!

یک دل سیر می‌شکنم.

یک دل سیر می‌گیریم.

آدم در این دنیا ز عشق،

یک دل سیر، سیر می‌شود!

دنیای نفرین شده‌ام

زخم عمیقی می‌شود،

بر دل من می‌خزد و

خنده‌ی دشمن شده است!



سپاس از همراهی شما عزیزان

نویسنده: نگین بای

این فایل در سایت تک‌رمان تایپ و منتشر شده است. هرگونه کپی برداری پیگرد قانونی

دارد.

برای منتشر کردن آثار خود به سایت تک‌رمان مراجعه کنید.

TaakRoman.IR

Forums.TaakRoman.IR

